

خبرنامه ندا را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

تجمع مردم معترض در مقابل وزارت کار: اعتراض های شبانه مردم در نقاط مختلف تهران ادامه دارد. این اعتراضات که شکل محله ای و منطقه ای به خود گرفته است گاهی در نقاط پررفت و آمد و پرازدحام نیز صورت می گیرد. شب گذشته، یکشنبه شب، گروهی از مردم که تعدادشان بین 50 تا 100 نفر بود مقابل وزارت کار و جنب ایستگاه خط واحد بهبودی زیر پل عابر پیاده تجمع کرده و به شعار علیه نظام پرداختند. این تجمع اعتراضی گروهی خیلی سریع تشکیل و پس از جلب توجه مردم و قبل از اینکه نیروی پلیس یا ضد شورش سر برسد پایان گرفت. این افراد ابتدا از محفظه و دالان ارتباطی ایستگاه خط واحد عبور کرده و زیر پل عابر پیاده تجمع کردند تجمع کنندگان با ایجاد ترافیک موضعی در این محدوده به مدت چند دقیقه مخالفت خود را با دولت کودتایی ابراز داشته و به سرعت متفرق شدند.

بیش از 500 تن از کشاورزان سرخس دست به تجمع اعتراضی زدند: بیش از پانصد تن از کشاورزان شهرستان سرخس در اعتراض به غصب زمینهایشان توسط کارگزاران چپاولگر رژیم آخوندی در آستان قدس رضوی در مقابل پمپ بنزین ورودی شهر تجمع کردند. کشاورزان معترض در این منطقه چادر زده و از یک هفته پیش به اعتراض خود ادامه می دهند. بنابه گزارشهای دریافتی به رغم گذشت یک هفته از این حرکت اعتراضی، هیچگونه جوابی از سوی کارگزاران رژیم به آنها داده نشده است.

شعار نویسی روی دیوارها همچنان ادامه دارد: روز یکشنبه اول شهریور در خیابان فرشته بعد از میدان تختی نبش خیابان، مردم روی تابلوهای راهنمایی رانندگی شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای" نوشته که ماموران انتظامی تابلوها را با رنگ سیاه پاک کردند ولی مجدداً مردم روی آنها را شعار مینوشتند که نهایتاً مجبور به کندن تابلوها شده اند.

اعتراض شبانه مردم در پشت بام ها همچنان ادامه دارد: خیابانهای تجریش، ونک، یوسف آباد، صادقیه، فلکه اول صادقیه و تهرانپارس شاهد طنین الله اکبر در شبهای ماه رمضان بود. در کرج و عظیمیه کرج نیز صدای الله اکبر و مرگ بردیکتاتور شنیده می شد. نیروهای بسیجی همچنان شب ها از ساعت 22 خیابان های اصلی و میادین را تحت پوشش دارند و هر وسیله نقلیه عبوری که سرنشینان آن جوانان باشد را مورد تفتیش قرار می دهند.

دانشجویان کوی دانشگاه با شعار دادن بر ضد نظام مخالفت خود را با خفقان سیاسی موجود نشان دادند: بنا بر خبر دریافتی در اولین شب از ماه رمضان دانشجویان ساکن کوی دانشگاه همصدا با مردم آزاده تهران بر ضد دولت و نظام دیکتاتور و سران آن شعار دادند.

دانشجویان کوی که با نزدیک شدن به بازگشایی کوی به خاطر برگزاری امتحانات عقب افتاده خردادماه هر روز بر تعدادشان افزوده می شود، شب 31 مرداد ماه همراه با مردم ساکن در محله های اطراف کوی با سر دادن شعارهایی نظیر "مرگ بر دیکتاتور چه رهبر چه دکتر" و "شکنجه اعتراف دیگر اثر ندارد" مخالفت خود را با خفقان سیاسی موجود در جامعه نشان دادند.

خیابان ولی عصر بخاطر مسائل سیاسی یک طرفه شد: خیابان ولی عصر، طولانی ترین خیابان پایتخت ایران و خاورمیانه به خاطر آن یک طرفه شد. حضور گسترده مردم تهران در تظاهرات و اعتراضات خیابانی چند ماه گذشته موجب گردید برای کنترل شهر تهران خیابان ولی عصر یعنی شریان جنوبی شمالی تهران را برای سرعت و تسهیل انتقال نیروهای سرکوبگر به نقاط مختلف تهران، یک طرفه کنند. هرچند یک طرفه شدن خیابان ولی عصر در گام نخست با عنوان کمک به تسهیل امر آمد و شد و راه اندازی خط اتوبوس های تندرو یعنی بی آر تی صورت گرفت اما بررسی ها نشان می دهد این تصمیم تنها یک عمل سیاسی بود. زیرا طرف چند ماه گذشته از آغاز درگیری ها و اعتراض های خیابانی، محدوده های خیابان ولی عصر به ویژه در اطراف میدان ونک، پارک وی، میدان تجریش، میدان ولی عصر و سایر نقاط محوری این خیابان عمده ترین کانون های اعتراضی بودند. دولت با استفاده از حربه زور و سرکوب گسترده موفق شد بخش مهمی از آشوب ها و اعتراض های خیابانی در مناطق مرکزی شهر را کنترل کند، اما در مناطق محدوده ولی عصر شمالی این درگیری ها و اعتراض ها هرگز مهار نشد. یافت مناطق شمالی شهر تهران از میدان ولی عصر به بالا به دلیل ترافیک و ازدحام انسانی و خودرویی همواره کانون اعتراضات گسترده بود. این در حالی است که نیروهای سرکوبگر به دلیل مشکل در جابجایی نیرو نمی توانستند واکنش های سریعی از خود نشان دهند. ترس از شروع یک اعتراض همگانی و برپایی تظاهرات گسترده در این محدوده وسرایت آن به سایر نقاط تهران و کشور موجب گردید که شورای تامین استان تهران برای مقابله با این رخدادها احتمالاً خیابان ولی عصر را یک طرفه کند. با یک طرفه شدن خیابان ولی عصر نیروهای امنیتی و پلیس به راحتی قادرند نیروهای خود را به نقاط مختلف شمالی و جنوبی تهران انتقال دهند. و با توجه به وجود همین خط انتقال نیروهای سرکوبگر در مرکز شهر تهران در حال حاضر تهران برای نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی قابلیت دسترسی است.

کارگران زندانی سندیکای شرکت واحد حق استفاده از مرخصی را ندارند: دادگاه انقلاب برای چندمین مرتبه با اعزام اعضای

در بند سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد به مرخصی مخالفت کرد. فیروزی از مسئولان دادگاه انقلاب برای چندمین مرتبه با اعزام به مرخصی آقای ابراهیم مددی نائب رئیس در بند سندیکای کارگران شرکت واحد مخالفت کرد، وی دلیل مخالفت خود را نظر منفی دستگاه امنیتی بر استفاده از حق مرخصی آقای مددی و همینطور منصور اسانلو رئیس در بند سندیکای کارگران شرکت واحد و با توجه به دلیل اینکه نامبردگان در صورت اعزام به مرخصی فعالیتهای خود را ادامه خواهند داد عنوان داشت. لازم به ذکر است پیش تر قاضی حداد معاون امنیت استان تهران از خانواده این فعالان کارگری در بند خواسته بود با پیگیری استفاده این افراد از حق مرخصی وقت خود را هدر ندهند!

خبرنامه ندا را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

تاریخ به شکل فکاهی تکرار می شود

رامین رحیمی

امروز، هنگام خواندن اخبار، با چند عنوان جالب روبرو گشتم که من را به یاد همان سال های اول «دوم خردادی» (1376) انداخت. مثلاً، رضوی فقیه در مصاحبه ای با میزان نیوز خواهان تشکیل «جبهه ای فراگیر از نیروهای اصلاح طلب» شد. و در جای دیگر (سایت فرا رو) علیرضا بهشتی صحبت از وارد شدن طرح «تشکیلات راه سبز امید» به مرحله «کارشناسی» نمود. این اعلان ها مرا به یاد تشکیل «جبهه مشارکت» انداخت که با سر و صدای زیاد، مدعی فراگیر بودن می کرد و هزاران طرح «کارشناسی» میآورد که چرا باید یک «جبهه» باشد و نه «حزب»، اما در پایان با یک تشریح از سوی محافظه کاران، تبدیل به «حزب مشارکت» شد و تمامی تشکیلاتش هم، از جمله انتخاب دبیرکل و برگزاری کنگره و اعلام برنامه و ... نشان داد که چیزی بیش از یک حزب نیست و با حذف ملی - مذهبی ها و «نهضت آزادی» و عدم شرکت مجاهدین انقلاب و مجمع روحانیون و ... و حتی شخص خاتمی، مسلماً فراگیر نشد. جالب اینکه دوباره نظرات «کارشناسی» از همان «کارشناسان» می آمد که چرا اصلاً باید حزبی رفتار کرد و نه «جبهه ای»!! این بار هم، علیرغم اعلان اولیه ی آقای بهشتی در خصوص حضور کروی و خاتمی در این «تشکیلات فراگیر»، معلوم شد که این آقایان تنها در «جریان کارها هستند و مورد «مشاوره فرار خواهند گرفت.» و رفته رفته خواهیم دید که کارشناسان با امید سبز «قانونی شدن»، خود را حزب معرفی کرده و از کمیسیون احزاب درخواست مجوز خواهند نمود.

هنوز لیخند این خاطره از روی لبانم محو نشده بود که عنوان بعدی را دیدم: «کروبی مستنداتی از تجاوزات را رو کرد» و «کروبی به کمیته ویژه مجلس شورای اسلامی دعوت شد» و «چهار شاهد تجاوزات معرفی شدند» و ... این دیگر از آن تکرارهای فکاهی تاریخ بود که لیخند را به فقهه تبدیل کرد. این عناوین مرا به یاد تشکیل «کمیسیون 90» مجلس ششم انداخت که با چه آب و تاب، صدمه دیدگان از تعرضات و سرکوبها و قتلها جانان حکومتی را می پذیرفت. سخنرانی های داغ اصلاح طلبان را بیاد می آورم که: «دیگر این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست!» دوباره جیغ های بنفش نمایندگان اکثریتی 80 درصدی اصلاح طلب در صحن مجلس در گوشم طنین می اندازد که «باید با متجاوزان به قانون و مجریان سرکوب و سانسور برخورد شود» و ...

حتماً از خود سوال می کنید که چطور است که چنین صحنه های اسف باری باعث خنده من میشود؟ درکش زیاد سخت نیست. اگر شما هم با من سوار قطار خاطره شوید و بیاد بیاورید که در آن سالها، اصلاح طلبان، تمامی قوه مجریه و اکثریت قریب به اتفاق مجلس و تمامی شوراهای شهر را در دست داشتند و از حمایت کامل حکومت های غربی و نهادهای وابسته «حقوق بشری» و «نوبل» و ... بهره مند بودند و هواداران 70 درصدی آنان در کلیه وزارتخانه ها از جمله «اطلاعات» و اداره جات و بنیادها و سازمان های دولتی و خصوصی حضور داشتند و جو جامعه طوری بود که حتی ولی فقیه نیز دم از «دمکراسی مذهبی» میزد، اما اصولگرایان با یک «کمیسیون احزاب» و «هیئت منصفه مطبوعات» آنچنان چوب لای چرخشان گذاشته بودند که نمایندگان مجلس را از روی ناتوانی در پیشبرد کارها به اعتصاب غذا (روزه سیاسی) کشانند، خواهید خندید. آیا خنده دار نیست که الان همان دادو فریادها و ادعاها و ادا و اصول ها را زمانی تکرار می کنند که تمامی ارگان های حکومتی و قدرت را از دست داده اند و کشورهای غربی خود را آماده مذاکره با دولت احمدی نژاد کرده اند و رهبر، حکم تیر داده است و مصباح یزدی تجاوز به جوانان بازداشتی را تا حد صواب تأیید کرده است؟ اگر در چنین شرایطی، ادعاها و شعارهای اصلاح طلبی جوک نیست، پس چیست؟

اما زمانی این خنده به گریه تبدیل می شود که ببینیم، باز هم مردم دچار همان توهم «اصلاحات از طریق ظرفیت های قانون اساسی» و اصلاح پذیری حکومت جانان و متجاوزین، آنهم توسط شرکای قبلی شان، مانند هاشمی رفسنجانی و .. هستند. فعلاً که پس از یک برهه دو ماهه ی جنگ بی وقفه ی خیابانی، مردم کمی ساکت گشته اند و از آنجاییکه این سکوت همراه با کم نویسی و کم حرفی توأم گشته، امید می رود که مشغول به تأمل در گزینه های آتی خود باشند. سوال اینست: آیا بازهم نیروی خود را در خدمت جناح دیگری از تبهکاران حکومتی قرار خواهند داد و فرصت به دست آمده را خواهند سوزاند؟ یا این بار، با کوله باری از تجارب سی ساله، از نگاه به بالا روی بر خواهند گرداند و با انکاء به نیروی خویش و همزمان خیابانی شان، شجاعانه به سمت انهدام نهادهای استبدادی و دگرگون ساختن جامعه برای ایجاد دمکراسی پیش خواهند تاخت؟

**سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!
مرگ بر سارشار!
نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی!**

انتشار از «ندای سرخ»

سوم مرداد 1388